فرشاد مومنی: فرصت زیادی برای توقف خطاها و فسادها نداریم!

هشدار درباره کسری بودجه ۱۴۰۳ کشور

فرشاد مومنی گفت: «نسبت اندازه هزینه‌های حاکمیتی دولت به تولید ناخالص داخلی به زیر ۱۰ درصد رسیده است! در حالی که در «دولت حداقلی» که آدام اسمیت تعبیر کرده بود این نسبت باید حداقل ۱۵ درصد باشد. من اعلام خطر می‌کنم که این شرایط ما را به چیزی بدتر از دوره تیول‌داری پرتاب خواهد کرد!» استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه مجموعه کسری‌های آشکار و پنهان، لایحه بودجه ۱۴۰۳ آنچنان است که باید هزاران هزار میلیارد بار به حال دولت گریه کنیم، گفت: ابعاد بیش برآوردی در درآمدها، کم برآوردی در هزینه‌ها و پنهانکاری‌های پرشمار در لایحه بودجه نشان می‌دهد کسری‌های آشکار و پنهان بودجه بیش از چندصد هزار میلیارد تومان است. به گزارش جماران، دکتر فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که در نشست «بررسی نسبت بودجه ۱۴۰۳ با مسائل اصلی کشور» سخن می‌گفت، با ابراز امیدواری نسبت به اینکه این نشست به نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور، آگاهی درباره چالش‌ها و چشم‌اندازهای ناشی از تداوم رویه‌های کوته‌نگرانه، برنامه‌گریز، غیرمشارکت‌جویانه و بحران‌ساز بدهد و راهی باز کند تا بلوغ و توان اندیشه‌ای نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور ارتقا یابد، اظهار کرد: عزیزان باید هرچه زودتر متوجه شوند که متملقان و چاپلوس‌هایی که با انگیزه کسب رانت‌های بزرگ به ساختار قدرت نزدیک می‌شوند نه دوستدار واقعی آنها هستند و نه دوستدار مردم این سرزمین و تعلق خاطری هم به حیثیت و آینده کشور ندارند. این یکی از بدیهیات اولیه عقلی است که ساختار قدرت به‌شدت به توجه به آن نیاز دارد. وی با تاکید بر اینکه یک پیوند ناگسستنی میان ترجیح تملق و چاپلوسی با تمایل به سفله‌گزینی وجود دارد، افزود: یکی از پنج مولفه کلیدی تشدیدکننده فساد این است که در مسندهای کلیدی، افراد فاقد صلاحیت اما چاپلوس گماشته شوند. اگر شما صالحان چاپلوس را به صالحانی که سطوحی از حریت و شرافت دارند، ترجیح دهید غیر از اینکه مشروعیت حکومت را به دلیل ناکارآمدی می‌سوزانید، این مشروعیت را به دلیل فسادزایی این شیوه هم از بین می‌برید. مومنی ادامه داد: یکی از دریچه‌های عبرت‌آموز افشاگری‌هایی که این روزها راجع به فسادهای بسیار بزرگ صورت می‌گیرد، این است که حکومت گرامی باید بفهمد احرار، آزادگان، شرافتمندان، عالمان و دانایان هستند که می‌توانند کشور را نجات دهند. چاپلوس‌های فاسد و فسادزا نمی‌توانند این کار را بکنند. بنابراین گرچه که به سهم خودمان در نهایت مهر، شفقت و خضوع، نتیجه تلاش‌های اندیشه‌ای خود را در طبق اخلاص می‌گذاریم و تقدیم نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور می‌کنیم؛ اما اگر حکومت گرامی به لوازم شکر این نعمت توجه نداشته باشد همه‌مان ضرر می‌کنیم. این اقتصاددان با بیان اینکه یکی از بلوغ‌های اندیشه‌ای که حکومت گرامی به شدت به آن نیاز دارد، این است که باید متوجه شوند راستگویی و صدق‌ورزی و امین دانستن مردم راه نجات کشور است، ادامه داد: اگر شما شفافیت‌زدایی کنید، وقتی که ناصحان مشفق اشکالات کارتان را گفتند تکذیب یا انکار کنید و حتی فراتر روید و شکایت و پرونده‌سازی کنید، در کوتاه‌مدت ممکن است منجر به پاک کردن صورت مساله شود، اما در بلندمدت آثار خود را به صورت گسترش فقر، فلاکت، عقب‌ماندگی و ذلت به صورت حکومت و مردم می‌زند.

وی با انتقاد نسبت به آنچه عدم انتشار برخی آمارها یاد کرد در انتشار آنها و بعضا دست بردن در آنهاست، اظهار کرد: عوارض سوء این اقدامات، دیر یا زود برملا می‌شود. در این رابطه رفتارهای حکومتگران گرامی به‌ویژه دست‌اندرکاران قوه مجریه نشان می‌دهد بسیار نیازمند تذکر هستند. وقتی تلاش می‌کنیم حکومت گرامی را در این زمینه آگاه کنیم، مافیاها و آنها که به سختی می‌توان برای‌شان تعابیر مودبانه پیدا کرد و از این مناسبات نفع می‌برند، به جای اینکه از کارشناسان دلسوز و شرافتمند تقدیر کنند، آنها را متهم به مخالفت با دولت می‌کنند. مومنی با بیان اینکه امیدوارم هم دولت به عنوان قوه مجریه و هم حکومت گرامی، به جای وعظ و خطابه و ادعا، کتاب «آلبرت هیرشمن» با عنوان «اعتراض، خروج و وفاداری» را بخوانند، توضیح داد: در آنجا با شیوه‌ای که حتی افراد کند ذهن را هم متوجه می‌کند، نشان داده آنها که نقد عالمانه می‌کنند، شرافتمندترین و دلسوزترین و خیرخواه‌ترین افراد برای حکومت هستند. خدای ناکرده نکند این حماقت پیش بیاید که عزیزان جای دوست و دشمن را اشتباه بگیرند و به جای اینکه منتقدان عالم و آگاه را تشویق کنند، به فکر بایکوت و تنبیه آنها برآیند و به چاپلوس‌ها و دروغگویان و پنهانکاران جایزه دهند.

این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی خاطرنشان کرد: هفته گذشته عزیزان یکباره به این جمع‌بندی رسیدند که محکومیت دکتر صادق زیباکلام را به خاطر اظهارات کارشناسی عملیاتی کنند. این مسائل از اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که می‌توان ساعت‌ها راجع به آن صحبت کرد. شخصا با بسیاری از تحلیل‌های دکتر زیباکلام مرزبندی کارشناسی دارم. ما اختلاف نظرهای اساسی به خصوص در حیطه‌هایی که در تخصص من است و ایشان گاه و بی‌گاه درباره آن اظهارنظرهای دلسوزانه‌ای داشتند، داریم، اما آن اختلاف نظرهای اساسی را افراد متمدن، با گفت‌وگو حل و فصل می‌کنند نه با داغ و درفش! صمیمانه و خاضعانه از سران قوا و نهادهای فرادستی آنها می‌خواهم رویه‌هایی که می‌تواند منعکس کننده سطح نازل بلوغ اندیشه، پختگی و تجربه در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور باشد را مورد تجدیدنظر قرار دهند. رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد یادآور شد: امام خمینی (س)، اوایل انقلاب در پیامی که به مناسبت آغاز سال تحصیلی دادند، اظهار امیدواری کردند که در مقیاس جهانی، شاهد ایامی باشیم که مسلسل‌ها و سرنیزه‌ها جای خود را به قلم بدهند. دکتر زیباکلام مگر جز قلم، سلاح و ابزار دیگری دارد؟! ایشان رسانه اختصاصی هم ندارد. یک کارشناس است که شرافت، دلسوزی و حریتش را هم نشان داده، حداکثر این است که در ارایه تحلیل، مبنای نظری ایشان یا داده‌های مورد استنادشان محل گفت‌وگو است. آیا حکومتی که هزاران کارشناس را در استخدام خود دارد، باید تا این میزان از خود عجز نشان دهد که به جای رویارویی قلمی با یک استاد بازنشسته دانشگاه، شیوه دیگری به کار بگیرد؟! مومنی با بیان اینکه به گواه مطالعه‌های درخشان آیت‌الله شهید مرتضی مطهری این وضعیت را بسیار تلخ، تاسف‌بار و ضد اسلامی می‌دانیم، ادامه داد: ایشان مکررا در سخنرانی‌های‌شان فرموده‌اند که نتیجه مطالعات‌شان نشان می‌دهد هرگاه آزادی‌های مشروع، تحت عنوان دفاع از ارزش‌ها، جای خود را به داغ و درفش و زنجیر و زندان بدهد، اولین قربانی، باورهای دینی است. بنابراین اینکه ما دل‌مان بخواهد که دین گسترش پیدا کند و در این زمینه عالم و صادق باشیم، باید راه را به سوی بحث و گفت‌وگو باز کنیم. آقای مطهری پیش از انقلاب از دانشکده الهیات دانشگاه تهران استعفا داد و اعتراضش این بود که محیط دانشگاه باید محیط آزاد گفت‌وگوی علمی باشد. در نامه‌ای که برای استعفا به رییس وقت دانشکده الهیات نوشت، آورده بود اگر در اختیار ما باشد ترجیح ما این است که حتی در دانشکده الهیات اساتید دانشمند مارکسیست آورده شوند تا مارکسیسم را درس دهند. وی اضافه کرد: نمی‌شود که شما ۱۲ اردیبهشت بگویید مطهری معلم انقلاب است و بعد با استاد عظیم‌الشان و مجاهد، این گونه برخورد کنید! آقای زیباکلام به اندازه کافی داغ و درفش سلسله پهلوی را دیده و زندان بوده است. ایشان با نهایت دلسوزی، نکاتی را مطرح می‌کند شما که هزاران فرد را تحت عناوین مختلف در استخدام خود دارید که حقوق می‌گیرند، به آنها بگویید قلم‌های‌شان را فعال کنند. این گونه جامعه منافع خواهد برد. اگر غیر از این باشد بیشترین زیان را حکومت خواهد دید.

این استاد اقتصاد تاکید کرد: ما که به سهم خود تلاش می‌کنیم بنیه اندیشه‌ای را در سطح نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور بالا ببریم، به این دلیل است که با داغ و درفش هیچ کشوری به توسعه نمی‌رسد. ممکن است خطر تجزیه تشدید شود، اما نه کیفیت زندگی مردم بهبود پیدا می‌کند و نه وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج کاهش می‌یابد و نه عزت و اعتلاء در میان سایر کشورهای جهان نصیب این ملت با فرهنگ و تاریخ و تمدن می‌شود. با وجود اینکه اینها جزو بدیهیات اولیه عقلی است، اما متاسفانه رویه‌هایی را شاهد هستیم که بر آن اساس می‌گوییم باید باز هم گوشزد کنیم. مومنی با بیان اینکه صمیمانه می‌خواهیم این شیوه برخورد با کل دانشگاهی‌ها و یکی از تلخ‌ترین آن یعنی آقای دکتر صادق زیباکلام جای خود را به گفت‌وگوهای اعتلابخش بدهد، خاطرنشان کرد: حکومتی که ارز و ریال، شمشیر و اسلحه و وعده و عُده دارد، باید راه را باز کند که اندیشه‌ورزان آنچه عالمانه می‌فهمند بیان کنند و اگر نقد می‌کنند حکومتی که آن همه قدرت و ثروت دارد هر کدام از نقدها را که به صلاح خود دید جدی بگیرد. ما که قادر به مواخذه دولت نیستیم، تنها می‌توانیم به آنها کمک کنیم که رشد کنند. بسیار قبیح است که به کمک کنندگان خودشان واکنش‌های این گونه نشان دهند. به گزارش جماران، رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد در بخش دیگری از سخنرانی خود در خصوص ارزیابی بخش دوم بودجه ۱۴۰۳ با بیان اینکه متاسفانه در کشور ما گاه بحث کارشناسی جای خود را به بحث‌های حیدری-نعمتی می‌دهد و گویا سر توزیع رانت با یکدیگر دعوا دارند، گفت: به‌عنوان یک هدیه به هر کسی که در ساختار قدرت است و این حداقل شرافت و آگاهی را دارد که تلاش کند ماجراهای ایران در مسیر علم بیفتد، عرض می‌کنم از جنبه اندیشه‌ای ما در ۳ سطح تحلیلی متفاوت می‌توانیم به بودجه نگاه کنیم و مبنایی برای ارزیابی ارایه دهیم. اگر کشور ما بخواهد نجات پیدا کند باید حکومت گرامی برای اینکه بودجه از این سه سطح تحلیلی نقد شود، راه باز کند. مومنی توضیح داد: وقتی از دریچه سطوح خرد و کلان توسعه به بودجه نگاه می‌کنیم، ۱۵ معیار و شاقول برای سنجش اعتبار و کارآمدی بودجه در اختیار قرار می‌گیرد که ۹۰ درصد این ۱۵ معیار به شرطی قابل عمل است که حکومت، داده‌ها را فراهم کند و در دسترس بگذارد. اما اکنون تقریبا باب هر ۱۵ معیار بسته است! گویی حکومت خودش باب خیر را به روی خود بسته است! شاید به این دلیل که بعضی فاسدها و چاپلوسان اکنون در کشور قدرت بیشتری گرفته‌اند و در این شرایط؛ آنچنان همه چیز سیاسی دیده می‌شود که در ذهن آنها جاانداخته‌اند که نقد به معنای مخالف‌خوانی است. متوجه نشده‌اند که نقد، اعتلابخش است و کمک می‌کند که رشد کنند. وی با بیان اینکه ادب دینی نقد را هدیه می‌داند و نباید به کسی که هدیه می‌دهد لگد زد، بی‌احترامی کرد و زندانش برد، عنوان کرد: چقدر تلخ است که در ربع اول قرن بیست و یکم مسائلی که برای هزاران سال در تمدن بشری روشن شده، گوشزد کنیم!

مومنی با یادآوری اینکه در بررسی بودجه با ابزارهای سطح خرد، دولت به مثابه یک بنگاه البته بنگاهی بسیار بزرگ دیده می‌شود، تصریح کرد: در این رویکرد، بودجه، سند دخل و خرج بنگاه می‌شود. برآورد اولیه نشان می‌دهد مجموع کسری‌های آشکار و پنهان، لایحه بودجه ۱۴۰۳ آنچنان است که باید هزاران هزار میلیارد بار به حال این ابربنگاه گریه کنیم! با شاقول ارزیابی سطح خرد از بودجه، ما با استانداردهای کارایی و بهینگی دولت را ارزیابی می‌کنیم. در نهایت مهر و شفقت می‌گویم، رفتار عملی حکومت و به ویژه قوه مجریه به گونه‌ای است که نشان می‌دهد اصلا گویی دوست ندارد از این زاویه مورد ارزیابی قرار بگیرد که نتیجه آن فروریختن توان مالی حکومت است.

به گفته این استاد دانشگاه؛ وقتی ابعاد بیش برآوردی در درآمدها، کم برآوردی در هزینه‌ها و پنهانکاری‌های پرشمار را در این بودجه نگاه می‌کنید، کسری‌های آشکار و پنهان بودجه بیش از چندصد هزار میلیارد تومان است. من در پژوهشی، برآوردی از این کسری‌ها داشته‌ام، اما به دلیل برداشت‌های سیاسی که از نظرات کارشناسی می‌شود، تصمیم ندارم آن را در فضای عمومی اعلام کنم، تنها زمانی آن را مطرح می‌کنم که یک مقام مسوول شرافتمندانه بگوید به این داده با هدف اصلاح رفتارش نیاز دارد. تا آن زمان این عدد را نمی‌گویم، اما اجمالا به شما می‌گویم این رقم بیش از چندصد هزار میلیارد تومان است.

مومنی با بیان اینکه اگر حکومت بخواهد خود را اصلاح کند باید رفتار مالی خود را اصلاح کند و اگر بخواهد کارا، کارآمد و بهینه عمل کند باید حسابداری هزینه تمام‌شده خدمات دولتی را منتشر کند، یادآور شد: تا این لحظه از سوی هیچ دولتی طی بالغ بر بیش از صد سال که از تصویب بودجه در پارلمان می‌گذرد، ندیدم دولتی چنین تمایلی از خود نشان دهد. درست است که این دولت باب این کار را باز نکرد، اما چون وعده اصلاح داده بود و اکنون خلاف عهد عمل می‌کند از این زاویه مورد نکوهش است. شرافتمندانه باب شفاف‌سازی در اطلاعات را باز کنید تا روشن شود آیا امکان عرضه با کیفیت‌تر و ارزان‌تر کالاها و خدماتی که دولت عرضه می‌کند، وجود دارد یا خیر! با توجه به نزدیک به نیم قرن مطالعه در این حیطه معتقدم با ضریب بالای ۹۵ درصد این مساله موضوعیت دارد. به گفته این اقتصاددان؛ برآوردهای اولیه‌مان نشان می‌دهد درباره تمام کالاها و خدماتی که دولت عرضه می‌کند، می‌توان با افزایش‌های چشمگیر در کیفیت و کاهش‌های به غایت چشمگیرتر در قیمت این کالاها و خدمات را عرضه کرد. اما لازمه آن این است که رویه سفله‌گزینی و ترجیح چاپلوسان به شایستگان تغییر کند. تا زمانی که این رویه باشد آن اصلاح امکان‌پذیر نیست.

مومنی با تاکید بر اینکه در نگاه سطح خرد، ما با ضابطه‌های کارایی بهینگی می‌توانیم این بودجه را مورد ارزیابی قرار دهیم، ادامه داد: اما دولت محترم ابزارهای چنین ارزیابی را مسدود کرده و داده‌های آن را منتشر نمی‌کند و اجازه انجام مطالعه در این زمینه را هم در حد نصاب نمی‌دهد؛ مانند این است که فردی دلسوز باشد، اما عفونت و چرک را در بدن خود پنهان کند. وی نگاه از سطح کلان را به عنوان دریچه دوم ارزیابی بودجه عنوان کرد و با بیان اینکه در این سطح دولت مسوول ثبات اقتصاد کلان و تحقق اهداف آن است؛ اهداف اقتصاد کلان را رشد مستمر و با کیفیت اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها، اشتغال کامل عوامل تولید، ثبات قیمت‌ها و تسهیل توسعه برشمرد و گفت: با این ۵ شاقول باید بتوانیم این سند را مورد ارزیابی قرار دهیم.

مومنی اظهار داشت: دولت محترم الزام قانونی دارد که خود گزارشی منتشر کند و بگوید بابت مجوزی که برای هزینه کرد چند ۱۰ میلیارد دلار و هزاران هزار میلیارد تومان پول که مشاءا به کل این جمعیت بیش از ۸۰ میلیون نفر تعلق دارد، چه چشم‌انداز عملکردی می‌بیند؟ دولت محترم تا امروز هرگز چنین کاری نکرده است!

وی با بیان اینکه مگر چقدر می‌توان این اقدام دولت را که لوازم ارزیابی صادقانه عملکردش را فراهم نمی‌کند حمل بر صحت و صداقت کرد، تاکید کرد: این به صلاح و حیثیت دولت نیست که چنین تصوری ایجاد شود.

به گفته مومنی، دولت با این بودجه قادر نیست ثبات اقتصاد کلان را فراهم کند. دولت قادر نیست حتی وضع موجود را هم حفظ کند. چشم‌انداز، چشم‌انداز بی‌ثباتی بیشتر است. این بودجه با شواهدی که وجود دارد قطعا بر گستره و عمق فقر و نابرابری خواهد افزود. اینها را می‌گوییم برای اینکه قوه عاقله‌ای که در سطوح بالاتر از قوه مجریه وجود دارد به فکر بیفتد که تداوم روندهای موجود به گواه اسناد و ارقامی که دولت محترم منتشر کرده، فاجعه‌ساز است و هیچ یک از اهداف اقتصاد کلان هم محقق نخواهد شد.

مومنی با بیان اینکه اصل ماجرا این است که ما به بودجه به عنوان برنامه یک‌ساله توسعه نگاه کنیم در آن صورت فرض کرده‌ایم دولت به آن سطح از بلوغ رسیده که می‌فهمد پشت کردن به توسعه چه خیانت بزرگی است و بی‌اعتنایی به آن امنیت ملی ما را به مخاطره می‌اندازد، اظهار کرد: به عنوان یک کارشناس می‌گویم از هر زاویه‌ای که به این سند نگاه کنید ردی از یک برنامه با کیفیت در آن دیده نمی‌شود. اما صدها زاویه وجود دارد که دقیقا خلاف آن را نشان می‌دهد. گویی این بودجه با اهداف ضد توسعه‌ای طراحی شده تا هم فقر و نابرابری و وابستگی را افزایش دهد و هم عقب‌ماندگی کشور را نسبت به همسایگانش و بقیه دنیا تشدید کند. از این زاویه معتقدیم به معنای دقیق کلمه، ما نیازمندیم به دولت گوشزد کنیم سندی که منتشر کرده‌اید سطوحی از ورشکستگی کیفیت کارشناسی و بحران اندیشه‌ای در دولت را به نمایش می‌گذارد. برای جامعه‌ای که اکنون بالغ بر ۱۴ میلیون انسان دانشگاهی دیده دارد، چنین وضعیتی شایسته نیست. این استاد دانشگاه با بیان این اعتقاد که طبیعتا مجلس اکنون مجال ندارد به این مسائل رسیدگی کند؛ چرا که خود مجلس نیز گرفتاری‌هایش در این زمینه کمتر از دولت نیست، گفت: اکنون نمایندگان مجلس به قوه عاقله مجلس، یعنی نهاد پژوهشی خود، هتاکی می‌کنند. اینها پدیده‌های شگفتی است! به یک نهاد اندیشه‌ای فحش می‌دهند و برچسب ناجور می‌زنند! اگر شورای نگهبان شأن خود را حفظ کند باید از خود بپرسد اینها چه کسانی هستند که من صلاحیت‌شان را تایید کرده‌ام؟! هرچند که نمی‌خواهم بگویم که صلاحیت چه کسانی را رد کرده‌اند که اینها را تایید کرده‌اند. وی افزود: کل مجلس، تنها یک موسسه پژوهشی دارد که از آنها پشتیبانی فکری می‌کند، اما کسانی پیدا شده‌اند که به آن هم اهانت می‌کنند، نه تنها زبان ادب، علم و مطالبه حق ندارند، بلکه فحش می‌دهند! من به بسیاری از گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها نقدهای کارشناسی علمی داشتم و آنها را بیان کردم، از آن زاویه سعی کردم نمایندگان مجلس را متوجه کنم که باید حتی گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس را هم انتقادی بخوانید و چشم بسته آنها را املاک قرار ندهید. وقتی ما نقد می‌کنیم به قصد اصلاح است اما کسی که هتاکی می‌کند، برچسب می‌زند و نسبت‌های بی‌ادبانه می‌دهد آژیر خطر قیامت شورای نگهبان را روشن کرده است و می‌گوید قیفی که شما آنها را از آن بیرون آورده‌اید، بررسی کنید. مومنی اضافه کرد: حیرت‌آور است، این چه مناسباتی است که ما

در آن زندگی می‌کنیم که به اندیشه با فحش پاسخ می‌دهد! روزنامه‌های هتاک شناخته‌شده را داریم که خداوند به آنها توفیق داده و با دست باز این کار را می‌کنند اما اینکه نماینده مجلس به نهاد پشتیبانی کننده فکری‌اش فحش دهد، پدیده بسیار تازه‌ای است. به نظر می‌رسد که قبل از اینکه به شکاف منابع و مصارف این قوم باید گریه کرد، مسائل دیگری بسیار فراتر از اینها وجود دارد که باید برای آنها به خداوند پناه برد. وی ادامه داد: نمایندگان مجلس در دوره جدید از دولت توضیح بخواهند که چرا حتی به اندازه ۱۰ درصد از کل جهت‌گیری‌های این سند نسبتی با یک برنامه توسعه‌ای باکیفیت ندارد. کشور با ده‌ها بحران کوچک و بزرگ روبه‌رو است و از این سند هیچ بویی از برنامه یکساله باکیفیت به مشام نمی‌رسد. یعنی ما در حال مصوب کردن اتلاف منابع بزرگ هستیم و این بهایش برای کشور بسیار سنگین است. به تصور نمی‌آید که جامعه ما در این زمینه چقدر از نظر امنیت ملی و فقر و فلاکت و تشدید عقب‌ماندگی در حال تهدید شدن است. این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه ما فرصت زیادی برای متوقف کردن اقدامات پرخطا، مشکوک و پرفساد نداریم و باید زودتر آنها را مورد توجه قرار دهیم، یادآور شد: حیاتی‌ترین زاویه ارزیابی بودجه، ارزیابی از سطح توسعه است. عزیزان مرتب تکذیب و انکار کردند. نباید فراموش کرد که در زمینه تکذیب‌ها و انکارها احمدی‌نژاد پدیده‌ای بود و به قول آن عزیزی که هر جا هست خدایا به سلامت دارش، در چشم مردم نگاه می‌کرد و می‌گفت هر کسی که ما را مورد انتقاد قرار می‌دهد، از تلاش‌های فسادستیزانه ما زخمی شده! بعد در همان زمان بی‌سابقه‌ترین سقوط در رتبه ایران به سمت فاسدترین کشورهای دنیا رخ داد. در دوره احمدی‌نژاد ما سالی را تجربه کردیم که در کل دنیا فقط ۸ کشور از نظر فساد از ما وضعیت بدتری داشتند. این گونه حیثیت ما را در دنیا بر باد دادند و قیمت نان سفره فقرا در عرض ۸ سال ۳۲ برابر و شاخص فلاکت ۲ برابر شد. معتقدم اینها باید برای شورای نگهبان تنبه دنیایی و قیامتی داشته باشد. رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با تاکید بر ضرورت در نظر داشتن شیوه‌های علمی برای سیاستگذاری در کشور گفت: به‌عنوان یک هدیه به مجلس جدید می‌گویم بررسی کند که ما با چه روندهای واگرایی خطرناک و بحران‌ساز روبه‌رو هستیم که از درون این شیوه اداره امور بیرون آمده و اگر اصلاح نشود همه ما زیان خواهیم دید. ما با روندهای واگرایی خطرناک از منابع و مصارف دولت روبه‌رو هستیم. الزام قانونی وجود دارد که دولت یک گزارش درباره بدهی‌هایش منتشر کند. در زمان احمدی‌نژاد دیوان محاسبات در گزارشی نشان داد آن دولت فقط از کانال بودجه سالانه، ۲۵۰۰ خلاف قانون انجام داده است، اگر شما به قانون اهمیت می‌دهید این چوب شما را بر سر احمدی‌نژاد با این میزان تخلفات ندیدیم! چگونه است که در جاهای دیگری می‌گویید چون قانون است باید چنین و چنان شود! مومنی با بیان اینکه ما با شتاب بی‌سابقه در افزایش جمعیت فقیر در دوره زمانی کوتاه روبه‌رو هستیم، گفت: این واگرایی بسیار خطرناک است، اگر کسی الفبای امنیت ملی را بداند آن هم در شرایطی که منطقه ما منطقه آشوبناک است و خداوند به عزیزان ما توفیق داده که با یک سیاست خارجی خاص کاری کرده‌اند که همه همسایگان‌مان را دوست داریم و به آنها اطمینان داریم و همه ماجراهای دیگر! برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ایران در ۱۱۵ سال گذشته فاصله زمانی برای اینکه اندازه جمعیت فقیر ایران دو برابر شود به سه سال رسیده است! ما تاکنون چنین چیزی نداشتیم.

این اقتصاددان با بیان اینکه این واگرایی درباره فاصله ما با دیگر کشورها نیز وجود دارد، توضیح داد: برای نمونه تولید ناخالص سرانه ایران در سال ۱۳۵۶ تقریبا دو برابر کره جنوبی بوده است -البته می‌توان گفت این رقم تحت دوپینگ جهش قیمت نفت انجام شده در هر حال یک شاقول است، ضمن اینکه شاقول‌های دیگر هم این شرایط را تایید می‌کنند- اما در سال ۱۳۹۴ تولید ناخالص سرانه کره بالغ بر پنج و نیم برابر ایران شده است. آن کس که فهم راهبردی دارد، از درون این شکاف، تهدید امنیت ملی استنباط می‌کند. اگر بخواهیم از سال ۹۴ به بعد را بررسی کنیم با مقیاس دلار نرخ‌گذاری شده به این شیوه فاجعه‌ساز، این نسبت بسیار وحشتناک‌تر به نفع کره جنوبی خواهد شد. ما داریم روند قهقرایی را چه از نظر کیفیت زندگی مردم و چه از نظر جایگاه ایران در نظام جهانی طی می‌کنیم.

مومنی با بیان اینکه سقوطی که در زمینه شاخص رابطه مبادله اتفاق افتاده خیانت به کشور است و حد و حدود ندارد، ادامه داد: آقای رییس جمهور از یک نهاد کارشناسی گزارشی درباره آسیب‌شناسی این مساله و راه‌های رفع آن مطالبه کند. از درون این بودجه گسترش و تعمیق فقر، نابرابری، فساد و وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج در می‌آید. حق جامعه ما این نیست. ظرفیت‌های دانایی کشور بسیار فراتر از این است که چنین سندی از دولتش بیرون بیاید و گرفتاری این است که احتمال اینکه مجلس در آن اصلاحاتی انجام دهد که به نفع کشور باشد نیز قوی نیست.

وی گفت: باید سران سه قوه به مردم پاسخ دهند: اختیارات بی‌سابقه‌ای که به دست آورده‌اند را چگونه استفاده کرده‌اند که تقریبا روند قهقرایی تمام شاخص‌های سطح توسعه کشور شدت بیشتری گرفته است؟! از این زاویه نیز بازنگری جدی نیاز داریم. همان زمان که آن اختیارات به سران قوا داده شد، تاکید کردم اینکه تشخیص می‌دهید کشور از نظر اقتصادی بحران دارد بسیار خوب است، اما اختیاراتی به کسانی داده‌اید که خداوند به آنها توفیق داده در چندین سال اخیر ویژگی مشترک‌شان این بوده که (با وجود همه شایستگی‌های‌شان در حوزه‌های دیگر) هیچ صلاحیت تخصصی در زمینه اقتصاد ندارند. زمان تشکیل شورای سران سه قوه، پیشنهاد کردم که اینها اعضای شورای بزرگ‌تری باشند که متخصصان و کارشناسان اقتصادی که به صلاحیت علمی و پاکدامنی مالی و شجاعت و هویت شناخته شده‌اند نیز عضویت داشته باشند. باید تعداد این کارشناسان از تعداد سران سه قوه بیشتر باشد. در این صورت دانایی مبنای اداره کشور می‌شود.

مومنی اضافه کرد: عزیزانی که می‌خواهند راجع به اصلاح امور فکر کنند، ارزیابی کنند که با گذشت بیش از ۳۵ سال خصوصی‌سازی اندازه هزینه‌های تصدی گرانه دولت، تقریبا نزدیک به دو برابر اندازه تصدی گری‌های دولت در دوره جنگ شده است. این بسیار شرم‌آور و تلخ است. نتایج کارشناسی‌ها این ارقام را نشان می‌دهد. فکر می‌کردند خصوصی‌سازی راه نجات ایران است، اما به گونه‌ای خصوصی‌سازی کرده‌اند که دولت از نظر مالی نسبت به سال‌های جنگ با بعضی از شاخص‌ها ورشکسته‌تر شده است. آن مداخله‌های تصدی گرانه دولت جهش پیدا کرده و میزان مداخله‌های توسعه‌گرای دولت نسبت به زمان جنگ سقوط کرده است. آیا این برانگیزاننده نیست؟!

وی گفت: بر اثر این شیوه حکمرانی که شوک درمانی و حذف سوبسیدها و آزادسازی را اجرا کردید، می‌خواستید کشور را نجات دهید! ببینید چه شد! یکی از فاجعه‌هایی که در این ۳۵ سال اتفاق افتاده فرآیند خودتخریبی نابودگر توسط حکومت علیه خود حکومت است. تضعیف عملیاتی نظام در این زمینه‌ها اتفاق افتاده است حکومت به دست خود بر اثر این سیاست‌ها از بازار پول، سرمایه، ارز و کالا تا حدود زیادی حاکمیت‌زدایی کرده است. غم‌انگیزترین و فاجعه‌بارترین این حاکمیت‌زدایی نیز از بازار کار بوده است. مظلوم‌ترین و بی‌پناه‌ترین گروه اجتماعی ایران مشمولان قانون کار هستند، حکومت در حیطه مربوط به نیروی کار تقریبا دوسوم قاعده‌گذاری‌هایش از اعتبار نفوذ افتاده است. اگر ۱۰۰ درصد در برنامه‌ای موفق شود برنامه‌هایش به ۴۲ درصد افراد مورد نظر دولت اصابت می‌کند و به ۵۸ درصد اصابت نمی‌کند. مومنی هشدار داد: در شرایطی که ما یک منطقه پرآشوب داریم، نسبت اندازه هزینه‌های حاکمیتی دولت به تولید ناخالص داخلی به زیر ۱۰ درصد رسیده است، در حالی که در «دولت حداقلی» که آدام اسمیت تعبیر کرده بود این نسبت باید حداقل ۱۵ درصد باشد. من اعلام خطر می‌کنم که این شرایط ما را به چیزی بدتر از دوره تیول‌داری پرتاب خواهد کرد. تضعیف کنندگان نظام آنها نیستند که نقص‌های آن را می‌گویند، بلکه آنها هستند که کشور را به این روز انداختند. وی گفت: حکومت گرامی هر روز که این مساله را دیرتر بفهمد؛ خودش و ملت هزینه بزرگ‌تری بابت این دیرفهمی خواهد پرداخت. از این دریچه صمیمانه به‌ویژه به مسوولان کلیدی کشور توصیه می‌کنم که مسوولانه‌تر راجع به واقعیت‌های اقتصادی کشور صحبت کنند. برخی حرف‌هایی که می‌زنند به طرز تاسف‌باری غیرمسوولانه، نامعتبر و خطرناک است. وقتی می‌گویند ما از فرط خوشی و موفقیت در حال خفه شدن هستیم، باعث می‌شود مسوولان بالادست کشور که باید به درستی به آنها اعتماد کنند، ممکن است نسبت به مسائل حیاتی کشور غافل بمانند! این به نفع هیچ کس نیست. تداوم روندهای کنونی و شیوه کنونی گزینش افراد در ساخت سیاسی و راه دادن به مردم برای اینکه در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان مشارکت فعال و موثر داشته باشند به غایت نگران کننده است. به گفته مومنی؛ معتبرترین نظریه توسعه این است که حکومت‌ها را با معیار کنترل خشونت طبقه‌بندی و درباره آن راجع به سطح توسعه و توسعه نیافتگی‌شان قضاوت می‌کنند، داده‌های تکان دهنده در این رابطه وجود دارد که فقر و نابرابری و وابستگی فزاینده به دنیای خارج چقدر ما را در برابر خشونت‌های درونی و بیرونی آسیب‌پذیر می‌کند. در صورت تداوم این شیوه بودجه‌نویسی و برنامه‌ریزی ایران به سمت دولت به معنای حکومت به غایت شکننده حرکت خواهد کرد و این خطر بزرگ برای همه است. اگر بابی برای گفت‌وگوهای اعتلابخش درباره سازوکارهای طراحی برنامه‌های باکیفیت توسعه طراحی و بودجه‌ریزی باکیفیت سالانه باز شود، می‌توان بیشتر درباره آن صحبت کرد.

ادامه از صفحه اول

سایه روشن‌های عملکرد مجلس یازدهم

اوج عدم توجه به ابزارهای نظارتی مجلس در جریان فساد چای دبش، نمایان شد. انتقال حدود ۳.۷ میلیارد دلار از دارایی‌های ارزی کشور به یک شرکت خاص و عدم توجه نمایندگان به زمینه‌های بروز این نوع مفاسد، نشان داد که در مجلس یازدهم قرار نیست، از ابزارهای نظارتی برای مقابله با فساد و ناکارآمدی به درستی استفاده شود.

۴_اجرای طرح آزادسازی قیمت‌ها: یکی از یادگاری‌های نامبارک مجلس یازدهم، برای اقتصاد ایران گرانی‌های افسارگسیخته بود. بخشی قابل توجهی از این گرانی‌ها ناشی از طرح آزادسازی قیمت‌ها بود که با مشارکت مجلس یازدهم و دولت سیزدهم اجرایی شد. هرچند برخی از نمایندگان با حذف ناگهانی ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی مخالف بودند اما نهایتا دولت با چراغ سبز مجلس این ایده را عملی کرد. نتیجه اجرای این طرح، جهش ناگهانی قیمت‌ها در کشور بود. نرخ روغن بیش از ۱۰ برابر، نرخ ماکارونی ۶ برابر، نرخ برنج ۴ برابر، نرخ گوشت ۳ برابر، مرغ ۴ برابر و سایر اقلام هم رشدهای بالایی را تجربه کردند. این وضعیت ناشی از عملکرد مجلس و دولت به صورت توامان بود. نهایتا در طول فعالیت‌های مجلس نرخ ارز رشد بیش از ۳۰۰ درصدی را تجربه کرد. از سوی دیگر نرخ تورم بدون اینکه مهار شود به میانگین بالای ۴۰ درصدی در طول ۴ سال رسید. نرخ تورم در اقلام خوراکی، حتی رشدهای بالای ۱۰۰ و ۲۰۰ درصد را هم ثبت کرد.

در ادامه نرخ اجاره‌بهای مسکن در این بازه زمانی، رشد فزاینده‌ای را تجربه کرد و بسیاری از خانوارهای ایرانیان برای بهره‌مندی از مسکن حداقلی دشواری‌های فراوانی تجربه کردند.

۵_ناهنجاری‌های اجتماعی: بخشی از نارسایی‌های اجتماعی در این دوران افزایش یافت. بحث‌فرار نخبگان در این برهه نه تنها افزایش چشمگیری پیدا کرد، بلکه به مهاجرت نیروی انسانی متخصص، تکنسین‌های صنعتی، صاحبان استارتاپ‌ها و...رسید. به نظر مجلس دوازدهم برای بهبود عملکرد پارلمانی ایران به جای توجه به امور غیرضروری و حاشیه‌ای باید از ابزارگارهای تقنینی، تخصصی، نظارتی و بودجه‌ای خود استفاده کند تا بتواند ناهنجاری‌های ناشی از عملکرد دولت سیزدهم ک مجلس یازدهم را اصلاح کند. اگر مجلس در جایگاه اصلی خود به عنوان وکیل‌الملله قرار بگیرد و از کرنش در برابر دولت دست بردارد می‌تواند اصلاحات مورد نظر مردم و کارشناسان را محقق کند، در غیر این صورت مجلس دوازدهم هم همان راهی را می‌رود که مجلس یازدهم پیمود.

بورس بهبود می‌یابد؟

فرا گرفته و می‌توان به غیر نکات ذکر شده قبل مالیاتستانی حداکثری و تصمیم بر لحاظ و البته فشار و سازمان یافتگی این مورد را به خوبی مشاهده نمود که سیاست‌گذار و مجری بیش از یک سال است که با قدرت بیشتری در حال به‌روز رسانی و بهبود این سیستم است تا رفته رفته بتواند به صورت هدفمندتر و با سرعت و حتی نرخ بیشتری (همانند افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده) بتواند دریافت مالیات داشته باشد و هر قدر که به جزییات و کلیات این کارها سرک بکشیم چیزی جز انقباض در تمام بازارها مشاهده نمی‌کنیم که هر چند در نهایت گفت شاید اثر و اتفاقات تورمی گذشته اندکی بتواند مهار گردد ولی عملا با این شتاب و قدرت وقوع رکودی قدرتمندتر از گذشته هم در کنار تورمی که به واسطه چاپ پول‌های افسارگسیخته در حال قدرت گرفتن بیشتر است همانند سدی است که هر چند تمامی خروجی‌های آن جهت تخلیه باز شده است ولی با حجم چند برابری در حال پر شدن می‌باشد که در آینده نه چندان دور بحرانی جدید و البته بسیار قوی‌تر را رقم خواهد زد.

مورد مهمی هم که می‌توان به آن اشاره داشت این است که تا زمانی که شاهد این نابسامانی در تصمیمات و اجرا باشیم هیچ بازاری حتی بازار سرمایه نفع مثبتی نخواهد برد و حتی شاید همچون گذشته پس از گذران مدتی شاهد جبران شدن عقب‌ماندگی قیمتی باشیم ولی با شرکت‌های متعددی در اقتصاد رو به رو خواهیم بود که نسبت به گذشته نه تنها رشد محسوس و ارزشمندی نبوده‌اند بلکه پله پله در حال نابودی و مستهلک شدن می‌باشند.

در پایان هم باید گفت زمانی را می‌توان برای بازار سرمایه بهار واقعی در نظر گرفت که پله پله یا به یکباره شاهد عقبگرد روند انقباض مالی و پولی در کشور باشیم تا پول‌های ریز و درشت در کشور به دنبال مقصد جدیدی بر خلاف زمان حاضر باشند.

چرا این راه به مقصد می‌رسد؟!

واقعیت آن است که اجزای اقتصاد در ارتباط تنگاتنگ و بسیار پیچیده با یکدیگرند و با نگاه دستوری آن‌هم دستورات بخشی و جزیره‌ای و در تضاد و تناقض با یکدیگر نمی‌توان آن را اداره و تدبیر نمود. حکمرانی خوب در کنار سیاست‌های باثبات اقتصادی و کاهش تنش‌های خارجی و افزایش اعتماد داخلی و...از جمله مولفه‌های اساسی درست کار کردن یک سیستم با کمترین نیاز به صدور حکم و دستور است.

اگر نجات بشر و رفاهش را محصول قوه عاقله وی که طبیعت به او بخشیده بدانیم، کار دولت‌ها آن است که فرصت‌های لازم را برای ظهور توانایی‌ها و استعدادها از طریق امکان ایجاد نهادهای مناسب فراهم آورند. امری که با اقتصادی دستوری و رانتی و دشمنی با جهان (جهانی دن کیشوتی) قابل تحقق نیست. وظیفه ملت هم البته نهادسازی و خروج از انفعال و مطالبه حق انتخاب و اختیار خود است.